

سرمایه‌گ

دکتر ولی خدادادی

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

کمبود سرمایه یکی از مشکلات کلیدی کشورهای در حال توسعه به منظور رهایی از دور باطل عقب ماندگی و قرار گرفتن در مدار توسعه یافته گی است. هم‌چنین امروزه این سخن که دوران توسعه اقتصادی در چارچوب مرزهای بسته ملی قابل انجام است به تدریج سپری می شود.

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار هدفی است که اکثر برنامه ریزان اقتصادی در جهان بر آن تأکید فراوان دارند. عدم توازن بین منابع پس انداز شده و نیازهای سرمایه‌ای در اقتصاد و فقدان شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری و جذب منابع خارجی مشکلی است که هسته اصلی استراتژی اقتصادی را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه کلاسیک کشورهایی که در آن‌ها نسبت سرمایه به کار پایین است، لیکن از ظرفیتهای اقتصادی بالا و بهره‌وری بالای نیروی کار برخوردارند، می‌توانند با انتقال

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ذاری مستقیم خارجی (FDI)

سرمایه از سایر نقاط جهان میزان سرمایه‌گذاری را نسبت به پس‌اندازهای داخلی خود افزایش دهند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به عنوان جریانی سیال و پرتحرک، یکی از ابزارهای جهانی شدن اقتصاد است. رقابت پذیری نظام‌های مختلف اقتصادی به منظور بهره‌مندی از این توانایی، شرایط تازه‌ای به این امر بخشیده است. از زمان سقوط نظام مالی بین‌المللی - برتون رودز - ۱۹۷۳، هژمونی مالی متأثر از قدرت اقتصادی و موقعیت سیاسی مسلط بعضی از کشورها شده است که روند کنونی جریانات مالی و سرمایه‌ای، گواه تغییر مرز تجاری ملی به فراملی است و این زمینه موجب ایجاد شرایط اندغام و تملک‌های سرمایه‌ای و صنعتی در اکثر کشورهای در حال توسعه از آغاز دهه ۹۰ شده

از دیدگاه کلاسیک کشورهایی که در آن‌ها نسبت سرمایه به کار پایین است، لیکن از ظرفیتهای اقتصادی بالا و بهره‌وری بالای نیروی کار برخوردارند، می‌توانند با انتقال سرمایه از سایر نقاط جهان میزان سرمایه‌گذاری را نسبت به پس‌اندازهای داخلی خود افزایش دهند

است. در چنین شرایطی با انتقال سرمایه از خارج کشور، تامین کسری موازنه تجارت خارجی کشور ممکن می‌شود. سرمایه به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی تعریف شده است. اصولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از اشکال صدور سرمایه از کشور مبدأ به کشور مقصد است که در قالب سرمایه‌گذاری در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد خام، تأسیس و گسترش نهادهای مالی و غیره در فراسوی مرزهای ملی انجام می‌شود. بسیاری از کشورها در گذر زمان، ساختار اقتصادی توانمند با بازارهای مالی فعال و سالم را، تنها به منابع مالی و سرمایه‌ای داخلی (بدون توجه به قوت و ضعف منابع داخلی) محدود نمی‌کنند، بلکه منزلت اقتصاد ملی در تقابل با تجارت جهانی را از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم به دست می‌آورند. به عنوان مثال کشورهایی مانند چین و کره جنوبی توانسته‌اند در دهه گذشته با پی‌گیری سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و فاصله گرفتن از شرایط نامتعارف اقتصاد سوسیالیستی حجم قابل توجهی از منابع مالی جهانی را به سمت توسعه اقتصادی خویش گسیل کنند. اما سؤال این است که چرا سرمایه‌های خارجی به ایران نمی‌آیند؟ تجربه کشورهای موفق در زمینه FDI، می‌تواند تا حدودی راه‌گشای سیاست‌گذاری و تدوین استراتژی در این زمینه باشد. یکی از عوامل موفقیت کشورهای فعال در جذب FDI، ایجاد کانون‌های جذب سرمایه و حمایت موازی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. در سال‌های گذشته توجه به سرمایه‌گذاری خارجی به سبب بی‌ثباتی قانونی و در بعضی موارد قوانین دست و پاگیر و نیز نگرش فرهنگی نامناسب نسبت به حضور سرمایه‌گذاران خارجی،

بسیار ناچیز و محدود بوده است به طوری که در بهترین حالات، مجموع سرمایه گذاری انجام شده کمتر از ۷ میلیارد دلار بوده است. این تصمیم - بدون توجه به عواقب احتمالی آن - در تصمیم گیری های شتابزده شروع انقلاب (ایدئولوژی اقتصادی)، گردش ناتمام سرمایه در بازارهای پولی و مالی، چیرگی حوزه سیاسی بر حوزه اقتصادی، ناتوانی در صدور سرمایه به خارج از کشور، فضای مالیاتی مخاطره آمیز، عدم توجه به بخش خصوصی، نوسانات ارزی، زیرساخت اقتصادی نامناسب و همانطور که قبلاً بیان شد در ضعف حقوقی و فرهنگی در زمینه تجارت خارجی نهفته است. در این میان شرایط اقتصادی - سیاسی ایران مهم ترین عامل ارزیابی سرمایه گذاران خارجی است اما آمارهای مؤسسات مالی بین المللی رتبه درخورد توجهی از لحاظ مخاطره سیاسی و سرمایه گذاری نشان نمی دهد. برای مثال، در سال ۲۰۰۵ مخاطره سیاسی ایران در بین ۶۰ کشور مورد بررسی ۵۹ ارزیابی شد، این در حالی است که ایالات متحده عربی کم مخاطره ترین کشور برای سرمایه گذاری اعلام شد. به نظر می رسد فهرست کردن ظرفیت ها و توانایی های بالقوه اقتصاد ایران تنها راهکار رفع قوانین بسته و محدود این معضل نیست.

پیشین FDI

سرمایه گذاری مستقیم

مثال کشورهایمانند چین و کره جنوبی توانسته اند در دهه گذشته با پی گیری سیاست های آزادسازی اقتصادی و فاصله گرفتن از شرایط نامتعارف اقتصاد سوسیالیستی حجم قابل توجهی از منابع مالی جهانی را به سمت توسعه اقتصادی خویش گسیل کنند

در سال های گذشته توجه به سرمایه گذاری خارجی به سبب بی ثباتی قانونی و در بعضی موارد قوانین دست و پاگیر و نیز نگرش فرهنگی نامناسب نسبت به حضور سرمایه گذاران خارجی، بسیار ناچیز و محدود بوده است

خارجی به منظور بهره برداری مستقیم از آن در فعالیت های اقتصادی سابقه ای طولانی دارد که به پیش از جنگ جهانی دوم باز می گردد (در ایران، از اواخر سده نوزدهم) در این زمان برای حرکت سرمایه گذاری ها به طور عمده از سوی کشورهای صنعتی به سوی کشورهای در حال توسعه به گونه ای بود که ۶۰ درصد از کل سرمایه گذاری های خارجی مستقیم در این دوره در کشورهای در حال توسعه و عمدتاً در بخش های اولیه اقتصاد اعم از مواد استخراجی و کشاورزی انجام می گرفت و تنها ۴۰ درصد سرمایه گذاری ها در کشورهای توسعه یافته انجام می شد. هدف اصلی از سرمایه گذاری خارجی در این زمان، تامین، حفظ و تقویت منابع و مواد اولیه ای بود که کشورهای صنعتی برای گردش فرآیندهای تولید خود به آن نیاز داشتند. بعد از جنگ جهانی دوم روند مزبور به تدریج تغییر کرد به نحوی که در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه به حدود ۳۵ درصد کاهش یافت. دلیل این امر تغییرات فناورانه مهمی بود که در کشورهای صنعتی به وقوع پیوست به طوری که با دگرگون شدن ساختار تولید، توزیع و بازار و ایجاد تغییراتی در رابطه میان بخش های مختلف اقتصادی و قدرتمند شدن بخش های خدمات و مالی و نیز به دلیل فراوانی و ارزانی مواد اولیه، اهمیت تامین این مواد در کشورهای صنعتی به شدت کاهش یافت. سهم

کالاهای ساخته شده در تجارت جهانی از ۴۰ درصد در سال ۱۹۲۸ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۷۰ رسید و دیگر نیاز قابل توجهی به سرمایه گذاری مستقیم گسترده برای تامین این مواد، مگر در بخش انرژی آن هم عمدتاً در بخش انرژی های فسیلی (نفت و گاز) وجود نداشت. با این حال نباید به توهم ناشی از اثرات مثبت اما اندک این اقدامات در کشورهای مورد بحث دامن زد.

انتظار می رود که روند انتقال سرمایه و فناوری معمولاً از کشورهای صاحب صنعت جدید به کشورهای در حال توسعه با بهره وری بالای نیروی کار صورت پذیرد. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی گزارش شده نشان از رشد بیش از ۳۰ درصدی در طی سال های اخیر در بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته بوده است به گونه ای که با ۹۱۶ میلیارد سرمایه گذاری سالانه در سال ۲۰۰۵ رشد ۲۹ درصدی در کشورهای صنعتی و ۵۰ درصدی در کشورهای توسعه نیافته صورت پذیرفته است. صنایع پتروشیمی ساخت پلاستیک، مستغلات و خدمات مهم ترین فعالیت های سرمایه پذیر در چند سال اخیر بوده است. اما توزیع این نوع سرمایه گذاری در میان کشورهای در حال توسعه بسیار ناهماهنگ است، این توزیع متاثر از فراهم بودن زیرساخت های مناسب توسعه اقتصادی، نیروی کار ارزان و فراوان، شرایط سیاسی و ثبات کشور، شرایط حاکم بر مقررات بازرگانی و تشکیلات سازمانی، سیاست های کلان اقتصادی و تجاری کشورهای مذکور می باشد که عوامل ذکر در مجموع بستر مناسب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را تعیین می کند.

پس از وقوع انقلاب، دیدگاه موجود در مورد سرمایه گذاری خارجی با توجه به تجربیات یک قرن و نیم گذشته - تعامل همراه با زیان - منفی بود. اثر این تفکر در اصل ۸۰ قانون اساسی به وضوح روشن است. تجربه اجرای برنامه اول که در آن توسعه سرمایه گذاری خارجی جایی نداشت و نیز عملکرد سال های اولیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که همراه با تصویب اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی بود نشان می دهد که در برنامه ریزی های شتابزده، شتاب رشد اقتصادی کشور به سرعت از نفس می افتد. در حالی که تولید ناخالص داخلی کشور

۱. نشریه علمی روند - شماره ۲۸ و ۲۹ سال ۱۳۷۹ - سرمایه گذاری خارجی - معصومه حاجیلی

در سال ۱۳۶۹ قریب ۱۲ درصد رشد داشته است، در سال‌های بعد، این نرخ چنان کاهش یافته که به اعداد کوچک یک رقمی نزدیک شده است. (جدول ۱)

جدول ۱: روند نرخ رشد GDP در ایران طی ۸ سال گذشته^۲

| سال | ۱۹۹۵ | ۱۹۹۶ | ۱۹۹۷ | ۱۹۹۸ | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۰ | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۲ |
|-------------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| نرخ رشد GDP | ۲۵ | ۵/۸ | ۳/۴ | ۳/۷ | ۱/۸ | ۵/۲ | ۲/۸ | ۶ |

مأخذ: بانک مرکزی ایران

هم‌چنین نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای نه‌چندان غنی، نظیر پاکستان حدود ۲۰ درصد است و در کشورهای با بنیه اقتصادی قوی‌تر و روبه‌رشد ۳۰ الی ۴۰ درصد گزارش شده است. در کشور ما که دارای چشم‌انداز ۲۰ ساله هستیم این نسبت از ۱۵ درصد تجاوز نمی‌کند. این درصد برای حرکت به سوی صنعتی شدن و برخورداری از اقتصاد خودکفا و باثبات بسیار اندک و ناچیز است. به عبارت دیگر شاخص عملکرد جذب سرمایه‌گذار خارجی نسبت به سهم یک کشور در سرمایه‌گذاری جهان به سهم آن در تولید ناخالص جهانی است. کشورهایی که شاخص یک دارند سرمایه‌گذار خارجی را به میزان توان اقتصادی خود دریافت می‌کنند. این شاخص برای ایران در دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۰ عدد ۰/۱ و در دوره ۲۰۰۰ به این طرف به صفر گرایش دارد.

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد کمبود منابع سرمایه‌ای داخلی برای تحقق الگوی اقتصادی در اغلب کشورهای کافی نیست. هم‌چنین حجم بالایی از منابع داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اختیار بخش ناکارآمد دولتی است لذا استفاده از منابع مالی خارجی به عنوان مکمل منابع داخلی و ابزاری برای هموار کردن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و گسترش و تقویت ظرفیت‌ها و نیروی مولد امری اجتناب‌ناپذیر است. مطمئناً به‌کارگیری مناسب و سنجیده سرمایه‌های خارجی به گونه‌ای که در خدمت فرایند رشد و اعتدالی اقتصادی ایران باشد، لازم و ضروری خواهد بود. به سخن دیگر می‌توان اذعان کرد که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند نقش موثری را در توسعه اقتصادی کشور ایفا کند و رهگشای صنعتی شدن کشور ما باشد.^۲

۲- این اطلاعات از اینترنت گرفته شده است.

۳ مجلس و پژوهش - شماره ۲۸ - مهر و آبان ۱۳۷۸ - سرمایه‌گذاری خارجی در ایران - دفتر



طراحی کیفیت محصولات و افزایش سطح تولید داخلی.
 ی - افزایش بیش و تصویر واقعی و قابل درک از محیط داخلی کشور در اذهان خارجی و تسهیل و توسعه همکاری‌های اقتصادی بین المللی و ارتقای توان در مناسبات سیاسی.^۳

روند و تحولات سرمایه‌گذاری خارجی در

جهان

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین روش‌های جهانی سازی تامین منابع مالی، انتقال فناوری و مدیریت، از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی شتاب فزاینده‌ای را پیدا کرد. این روند به خصوص در بخش صنعت از به‌کارگیری وام‌های خارجی به سمت سرمایه‌گذاری تغییر یافته است. در دهه

۴ مجلس و پژوهش - شماره ۲۸ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
 الف - تقویت زیربنایهای اقتصادی و ورود ارز به کشور؛ این مزیت برای اقتصادهایی که بدهی خارجی دارند، بسیار پر اهمیت و حداقل در کوتاه مدت موجب تخفیف بحران خواهد شد.
 ب - کاهش هزینه سرمایه، ابزاری برای هموار کردن سرمایه‌گذاری داخلی و گسترش و تقویت آن.

ج - افزایش روحیه رقابت در صنعت داخلی.
 د - انتقال فناوری تولیدی و دانش فنی و بالا بردن سطوح مهارت‌ها در نیروی کار مولد.
 ه - توسعه اقتصاد بدون نفت.
 و - توسعه، گسترش و شناسایی بازارهای صادراتی جهانی و ارتقای توان بازاریابی.
 ز - افزایش صادرات غیر نفتی و تحویل ارز برای کاهش وابستگی نفتی.
 ح - آفرینش اشتغال و فرصت‌های جدید شغلی.

بررسی‌های اقتصادی.

۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ منابع مالی عمدتاً به صورت وام‌های تجاری به سوی کشورهای در حال توسعه جریان داشت. اما از زمان آغاز بحران بدهی‌ها به خصوص در حیطه کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی، کاهش چشم‌گیری در روند اعطای وام به کشورهای در حال توسعه پدیدار شد و در نتیجه نوعی رقابت میان این کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به وجود آمد.

آمار حاکی از آن است که جنوب شرق و جنوب شرق آسیا بزرگ‌ترین منطقه میزبان برای سرمایه‌گذاران خارجی از آسیا بوده است که از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه جذب شده در آسیا، ۶۵ درصد آن (۶۵ میلیارد دلار) را این کشورها جذب کرده‌اند. چین از کشورهای جنوب شرقی آسیا است که از اواسط دهه ۱۹۷۰، سیاست آزادسازی اقتصاد را در پیش گرفت به طوری که به عنوان بزرگ‌ترین پذیرنده سرمایه‌های خارجی از میان کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۵، ۳۷/۵ میلیارد دلار (حدود ۴۰ درصد از کل سرمایه‌های خارجی) را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۹۹۶ نیز میزان سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به ۴۰/۸ میلیارد دلار رسید و همین امر موجب شد که میزان صادرات چین در سال مذکور با ۲ درصد رشد به ۴۶/۱ میلیارد دلار برسد. حتی با وجود مشکلات مالی حاکم بر برخی کشورهای شرق و جنوب آسیا، سرمایه‌گذاری مستقیم

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور بهره‌برداری مستقیم از آن در فعالیت‌های اقتصادی سابقه‌ای طولانی دارد که به پیش از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد

بعد از جنگ جهانی دوم روند مزبور به تدریج تغییر کرده به نحوی که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه به حدود ۳۵ درصد کاهش یافت

انتظار می‌رود که روند انتقال سرمایه و فن‌آوری معمولاً از کشورهای صاحب صنعت جدید به کشورهای در حال توسعه با بهره‌وری بالای نیروی کار صورت پذیرد

خارجی در آسیا و پاسفیک با ۸ درصد رشد به ۸۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ رسید. در پنج کشور بزرگ بحران زده یعنی اندونزی، جمهوری کره، مالزی، فیلیپین و تایلند جریان‌های (Foreign Direct Investment) در مجموع در سطح مشابهی نسبت به سال ۱۹۹۶ باقی‌مانده است.

عوامل متعددی در جلب سرمایه‌های خارجی به کشورهای موفق یاد شده دخیل بوده است. از جمله آزادسازی اقتصاد، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی برون‌گرا و مبتنی بر بازار، حمایت بخش خصوصی، ایجاد اصلاحات اقتصادی - اجتماعی، امکانات زیربنایی مناسب، ثبات سیاست‌های اقتصادی، نیروی انسانی ارزان و نیمه‌ماهر، قانونمندی و امنیت لازم برای حمایت از سرمایه و منافع سرمایه‌گذاری خارجی.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه دارای سابقه‌ای طولانی است. با هر گونه تغییری در فضای سرمایه‌گذاری شامل سیاست دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در مفهوم وسیع‌تر تغییر چارچوب سیاست‌های اقتصادی، این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها در طول زمان با نوساناتی مواجه بوده است. بنابراین روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منعکس‌کننده تغییرات در سیاست‌های کشورهای

در حال توسعه بوده است. برخی از خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بوده است. برخی از خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که اثرات تعیین‌کننده بر تصمیمات سرمایه‌گذاران خارجی داشته است عبارتند از: سیاست‌های جایگزینی واردات ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سیاست‌های توسعه منابع طبیعی در دهه ۱۹۷۰، برنامه‌های تعدیل ساختار و گذر به اقتصاد بازار در دهه ۱۹۸۰ و بالاخره سیاست‌های معطوف به افزایش نقش بخش خصوصی در دهه ۱۹۹۰.

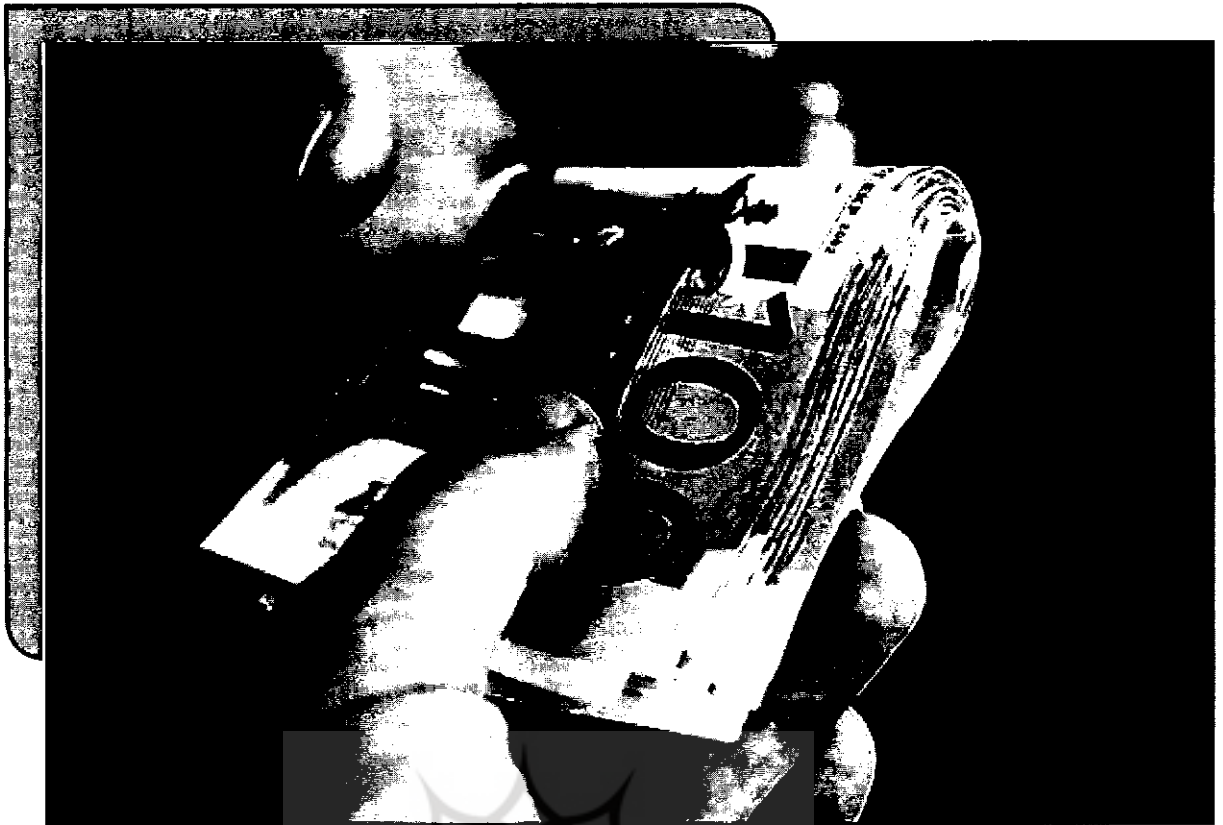
جدول ۳: سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۵

| | ۱۹۹۷ | ۱۹۷۲ | ۱۹۸۰ | ۱۹۹۰ |
|----------------------|------|------|------|------|
| کشورهای توسعه‌یافته | ۲۶۹ | ۹۷۳ | ۷۸ | ۸۳ |
| کشورهای در حال توسعه | ۶۳۶ | ۱۲۶ | ۲۲ | ۱۷ |
| کل | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

با توجه به ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به سمت صنایع در حال رشد از جمله بخش صنایع کوچک و متوسط و تولید کالاهای ساخته شده سرازیر شده است.

افزایش سریع جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه نیز در پی تحولات صورت پذیرفته در زمینه جهانی شدن الگوی تولید و مصرف بوده است، به طوری که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ پنج برابر شده است. در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار شده است. هم‌چنین رقم کل سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۴ معادل ۶۴۸ میلیارد در جهان بوده است که سهم کشورهای در حال توسعه از این رقم برابر ۳۳۳ میلیارد دلار یعنی حدود ۴۰ درصد از رقم کل بوده است. بر پایه این گزارش سهم کشورهای توسعه یافته از بازار سرمایه جهانی، دو برابر کشورهای در حال توسعه است. در این میان آمریکا به دلیل برخورداری از شرایط مناسب داخلی توانسته است ۹۶ میلیارد دلار از میزان کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به خود اختصاص دهد. انگلستان با ۷۸ میلیارد دلار و سپس چین با رقم ۶۱ میلیارد دلار در

۵ نشریه سیاسی - اقتصادی - شماره ۶۵ و ۶۶ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی



مقام های بعدی ایستاده اند. جالب این که جریان سرمایه جهانی به سمت کشورهای توسعه یافته به گونه ای است که از سال ۲۰۰۶ معادل شش میلیارد دلار سرمایه کشورهای خاورمیانه (عمدتاً کشورهای نفتی) به دو کشور آمریکا و انگلیس روانه شده است. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه خاورمیانه شدیداً به مشکل کمبود سرمایه گرفتار و نیاز شدیدی به بهره گیری از بازار سرمایه جهانی دارند. این افزایش عمدتاً به سوی ۱۲ کشور بزرگ در حال توسعه سرازیر بوده است، به طوری که چین به تنهایی در خلال سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶، ۱۶۷ میلیارد دلار بابت سرمایه گذاری خارجی کسب کرده است.^۶

عملکرد و تحولات سرمایه گذاری خارجی در ایران را می توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد
 ۱- سرمایه گذاری خارجی در ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی
 سرمایه گذاری خارجی انجام شده در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به ایدئولوژی فرهنگی و اقتصادی حاکم بر شرایط سرمایه
 ۶ روند - شماره ۲۸ و ۲۹ - سرمایه گذاری مستقیم خارجی

گذاری حاکی از آن است که طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۶ جمعاً ۲۷۶ مورد سرمایه گذاری به منظور انتقال فناوری به کشور انجام شده است که بیش از ۳۰ درصد از موارد استفاده و بهره گیری از فناوری جدید در سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۳، یعنی پس از افزایش اول قیمت نفت صورت گرفته است. عمده سرمایه گذاری های انجام شده توسط کشور روسیه انجام پذیرفته است. از لحاظ مبلغ سرمایه گذاری خارجی، ۳۴ درصد از موارد کم تر از یک میلیون دلار بوده است و تنها در ۷ درصد از موارد حجم سرمایه گذاری ها به بیش از یکصد میلیون دلار رسیده است. قابل توجه است که حجم عظیمی از سرمایه گذاری های خارجی انجام شده در کشور طی سال های ۱۳۴۸-۱۳۴۱ در بخش نفت متمرکز بوده است، حال آنکه در دوره ۵۶-۱۳۴۹ بخش اعظم سرمایه گذاری های انجام شده در بخش غیرنفتی بوده است.
 از نقطه نظر انگیزه و هدف استقبال از سرمایه گذاری خارجی، در فاصله سال های ۱۳۵۶-۱۳۴۵، در ۲۸ درصد از موارد هدف انتقال دانش فنی تولید بوده است. از سایر اهداف و انگیزه های سرمایه گذاری خارجی در دوره مذکور نیز می توان به ساخت تأسیسات، مرتفع کردن مشکلات فنی و ورود کادر فنی متخصص به کشور، اشاره کرد.

میزان سرمایه گذاری خارجی انجام شده در ایران بر اساس قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۷، حاکی از آن است که پایین ترین سطح آن در سال ۱۳۳۶ و معادل ۱۳ میلیون ریال و بالاترین سطح آن نیز در سال ۱۳۵۷ و معادل ۶۳۳۵/۷ میلیون ریال بوده است. طی سال های مورد بررسی، کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا و ژاپن معمولاً عمده ترین سرمایه گذاران خارجی در ایران بوده اند.

از نکات قابل توجه در دوره مورد بررسی، ورود کشور ژاپن به عرصه سرمایه گذاران خارجی در ایران از اواخر دهه ۱۳۴۰ و تبدیل آن به یکی از عمده ترین سرمایه گذاران در سال های بعدی است.

بررسی توزیع بخشی سرمایه گذاری های خارجی در ایران (بر حسب نوع فعالیت) طی سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ (بالاترین سطح سرمایه گذاری های خارجی در کشور در سال های مذکور صورت گرفته است) بیانگر تمرکز شدید آن در بخش صنایع پتروشیمی است. به طوری که طی سال های فوق الذکر به ترتیب ۳۵/۷ درصد و ۴۴/۹ درصد از کل سرمایه گذاری های خارجی انجام شده در این

بخش است. در این راستا عمده‌ترین و اصلی‌ترین علت را می‌توان بر خورداری ایران از مزیت‌های نسبی در این بخش دانست. هم‌چنین تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدوداً ۳۶۷ شرکت خارجی در ایران فعالیت داشته‌اند که حدود ۱۸ درصد این شرکت‌ها آمریکایی و ۱۴ درصد آن آلمانی و ۱۲ درصد آن انگلیسی بوده‌اند.^۷

۲- سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پس از انقلاب اسلامی

بررسی برخی از آمارهای منتشره نشان‌دهنده کاهش قابل ملاحظه سطح این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در سال‌های پس از انقلاب است به طوری که این رقم بیش از ۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ و ۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ رسیده است. آمارهای منتشره بانک جهانی در مورد جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران نشان‌دهنده عمده بودن سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تا قبل از افزایش قیمت نفت سال ۱۹۷۴، مسیر صعودی آن در سال‌های افزایش قیمت نفت و به تدریج منفی شدن رقم (خروج سرمایه) در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. به عنوان مثال حجم این سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۹۷۳ بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار بوده است، که برخورداری از روند قابل ملاحظه‌ای در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بالاترین میزان خروج سرمایه در سال ۱۹۹۰ (۳۹۴ میلیون دلار) رسیده است.

ناآرامی‌های داخلی ناشی از جریانات انقلاب اسلامی، مشخص نبودن حدود مالکیت بخش خصوصی، محدودیت‌ها و قوانین مربوط به انتقال ارز از کشور، قوانین محدود تجاری و امثال آن از جمله دلایل عمده کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوران بعناز انقلاب اسلامی بوده است. سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران در سال‌های دوران برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) از میزان بسیار پایینی برخوردار بوده است. در سال‌های پس از برنامه اول توسعه اقتصادی تا پایان سال ۱۳۷۷ نیز سطح سرمایه‌گذاری خارجی همواره از میزان مصوب آن به طور قابل توجهی کم‌تر بوده است. آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دهه ۷۰، حاکی از آن است که پایین‌ترین سطح سرمایه

۷ نشریه روند - شماره ۲۸ و ۲۹ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین روش‌های جهانی سازی تامین منابع مالی، انتقال فن‌آوری و مدیریت، از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی شتاب فزاینده‌ای را پیدا کرد

سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به ایدئولوژی فرهنگی و اقتصادی حاکم بر شرایط سرمایه‌گذاری حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۶ جمعاً ۲۷۶ مورد سرمایه‌گذاری به منظور انتقال فن‌آوری به کشور انجام شده است

بررسی برخی از آمارهای منتشره نشان‌دهنده کاهش قابل ملاحظه سطح این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در سال‌های پس از انقلاب است به طوری که این رقم بیش از ۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ و ۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ رسیده است

گذاری خارجی در سال ۱۳۷۳ معادل ۰/۰۲ میلیون دلار و بالاترین حد آن نیز در سال ۱۳۷۶ و معادل ۵۲/۸۵ میلیون دلار بوده است. از نظر توزیع جغرافیایی نیز در خلال سال‌های ۷۶-۱۳۷۲ کشور آلمان و بلژیک اصلی‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بوده‌اند. در سال ۱۳۷۷ سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران علاوه بر کشور آلمان عمدتاً از سوی کشورهای دانمارک و کره جنوبی بوده است.

توزیع بخشی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۲، حاکی از تمرکز شدید آن در بخش صنایع فلزی، صنایع کانی غیر فلزی و صنایع غذایی بوده است. در سال ۱۳۷۷ نیز سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران عمدتاً در بخش صنایع خودرو سازی و صنایع وابسته و صنایع شیمیایی است.^۸ هم‌چنین بر اساس گزارش انکتاب سهم ایران از سرمایه‌گذاری خارجی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به طور متوسط در هر سال ۵۰۰ میلیون دلار بوده (کمتر از یک درصد رقم کل) و رتبه ایران در میان ۱۴۰ کشور ۱۳۰ اعلام شده است.

مشکلات جذب سرمایه‌گذاری خارجی از آغاز دهه ۱۹۸۰ گرایش عمومی و عمیقی در برای استفاده از سرمایه‌های خارجی که عمدتاً معمول تحولات اقتصاد جهانی بر محور بازار بود پدیدار شد و سایر روش‌های تامین مالی را تحت الشعاع خود قرار داد. به طوری که امروزه دولت‌ها دیگر به جای استفاده از روش‌های استقراری و منابع محدود خود، بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داده و آن را محرکه اصلی توسعه اقتصادی قرار داده‌اند و بسیاری از آنها توانسته‌اند با بهره‌گیری منابع سرمایه‌ای خارجی به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یابند.

این در حالی است که به گزارش مرکز تجاری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ جمهوری اسلامی ایران از لحاظ شاخص قابلیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان ۱۴۰ کشور دنیا در رتبه ۶۱ و در میان کشورهای خاورمیانه در رتبه دهم قرار دارد. این امر با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی و به رغم برخورداری از امکانات بالقوه جذب، بازار مصرف وسیع، نیروی کار و

۸ روند - شماره ۲۸ و ۲۹ - سرمایه‌گذاری خارجی



انرژی ارزان، وفور منابع طبیعی، امکان دسترسی سریع به بازارهای همسایه، مشوق‌های تولیدی به نسبت قابل توجه بوده است. در این رابطه دلایل اقتصادی، ایدئولوژی، حقوقی و فرهنگی متعددی را می‌توان برشمرد:

الف) عدم وجود عزم و اراده ملی در خصوص پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛ به عبارتی وجود ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی.

ب) عدم موضع مشترک، پایدار و دقیق بین دستگاه‌های اجرایی راجع به سرمایه‌گذاری خارجی؛ به عبارتی گسترش بیش از حد بخش دولتی (ج) فقدان یک قانون فراگیر و خط مشی روشن در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی

د) ضعف اقدامات تشویقی و ترویجی و خدمات پس از سرمایه‌گذاری.

ه) نبود ثبات اقتصادی و وجود نوسانات ارزی، و زیر ساخت‌های فیزیکی و ضعف مناطق آزاد تجاری

سرمایه‌گذاران خارجی آن هنگام حاضر به انتقال سرمایه خود به ایران هستند که قادر باشند سود قابل انتظار خود را در یک محدوده مشخصی از مخاطره محاسبه کنند. نوسانات نرخ ارز عملاً محاسبه توجیه پذیر اقتصادی را غیرممکن می‌سازد.

ز) وجود قوانین مالیاتی و حقوقی مخاطره آمیز

ح) عدم مهارت کافی و مورد نیاز در حیطه نیروی انسانی

خ) بوروکراسی فزاینده در دستگاه‌های اجرایی کشور

سخن آخر

شواهد نشان می‌دهد هر چه در بعد زمانی به جلو حرکت می‌کنیم، شرایط و مسائل بین‌المللی بعدها و فرمول‌های تازه‌ای به خود می‌گیرند و کشورها نیز به دلیل همراهی با سیر تحول تکنولوژیکی و بنیادی اقتصادی و نزدیک شدن به جامعه سرمایه‌ای، نیازمند جذب منابع سرمایه‌ای خارجی در قیاس با شرایط رقابتی دیگر کشورها هستند. با توجه به شواهد ارائه شده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) می‌تواند به عنوان اهرمی بسیار مفید و کاربردی در زمینه توسعه متوازن اقتصادی تبدیل شود. البته این مهم بایستی در چارچوب قوانین و مقررات روشن، توجه کافی به حضور سرمایه‌گذار خارجی و تدارک برگشت منافع حاصل از

سرمایه‌گذاری آنان انجام پذیرد. آنچه مسلم است، گریز به خط‌مشی‌های اقتصادی چشم‌انداز ۲۰ ساله و رشد مورد نظر آتی، ما را نیازمند دگرگونی و بازبینی مقوله مذکور می‌کنند

منابع:

۱. نشریه روند - شماره ۲۸ و ۲۹ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۲. پژوهش و مجلس - شماره ۲۸ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۳. نشریه سیاسی - اقتصادی - شماره ۶۵ و ۶۶ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۴. مجلس و پژوهش - شماره ۲۸ - مهر و آبان ۱۳۷۸ - سرمایه‌گذاری خارجی در ایران - دفتر بررسی‌های اقتصادی
۵. نشریه علمی روند - شماره ۲۸ و ۲۹ سال ۱۳۷۹ - سرمایه‌گذاری خارجی - معصومه حاجیلی
۶. اینترنت

آمار سرمایه‌گذاری
مستقیم خارجی طی
دهه ۷۰، حاکی از آن
است که پایین‌ترین
سطح سرمایه‌گذاری
خارجی در سال ۱۳۷۳
معادل ۰/۰۲ میلیون دلار
و بالاترین حد آن نیز
در سال ۱۳۷۶ و معادل
۵۲/۸۵ میلیون دلار
بوده است